

ادبیات کلاسیک

بینوایان

ویکتور هوگو

ترجمہ

حمیدہ کاشمیری



انتشارات

گوہر اندیشہ

سرشناسنامه	هوگو، ویکتور ماری، ۱۸۰۲ - ۱۸۸۵ م.
عنوان و نام پدیدآور	Hugo, Victor Marie
مشخصات نشر	: بینوایان/ ویکتور هوگو؛ ترجمه حمیده کاشی.
مشخصات ظاهری	: تهران: گوهر اندیشه، ۱۳۹۶.
فروست	: ۶۷۲ ص.
شابک	: ادبیات کلاسیک.
وضعیت فهرست‌نویسی	: ۳ - ۰۶۷ - ۳۹۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸
یادداشت	: فیا.
موضوع	: عنوان اصلی: Les Miserables, ۱۹۷۱.
موضوع	: داستان‌های فرانسه - قرن ۱۹ م.
شماره افزوده	: French fiction -- 19th century:
رده‌بندی کنگره	: کاشی، حمیده، ۱۳۴۶ - مترجم
رده‌بندی بری	: ب ۱۳۹۶ / ۹ PQ ۲۵۲۸
شماره کتابشناسی	: (ج) ۸۲۳/۸
	: ۵۰۴۸۶۰۶

Les Miserables Victor Hugo

Translation by
Hamideh Kashi

بینوایان

نویسنده: ویکتور هوگو

ترجمه: حمیده کاشی

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۳۰۰،۰۰۰ ریال

شابک: ۳-۰۶۷-۳۹۴-۶۰۰-۹۷۸

ناشر: گوهر اندیشه

تلگرام: @goharandisheh

تلفن: ۶۶۴۷۹۰۰۶ - ۶۶۴۶۶۵۲۱

فهرست

۱۳	پیشگفتار
۱۵	فصل ۱: عالیجناب اسقف میریل
۲۲	فصل ۲: ژان والزان
۳۱	فصل ۳: پس از بیدار شدن
۳۸	فصل ۴: امواج و تاریکی
۵۰	فصل ۵: مشکلات جدید
۵۴	فصل ۶: مرد بیدار می شود
۵۸	فصل ۷: ژان والزان در حال چه کاری است؟
۶۲	فصل ۸: اسقف بین ونو

۶۸	فصل ۹: ژان والژان و اسقف
۷۶	فصل ۱۰: چهار زوج
۸۴	فصل ۱۱: ملاقات دو مادر
۱۰۰	فصل ۱۲: خانواده تناردیه
۱۰۳	فصل ۱۳: کوزت در خانه تناردیه‌ها
	فصل ۱۴: ماجرای پیشرفت در ساخت
۱۰۹	مهره‌های شیش‌ای و سیاه
۱۱۳	فصل ۱۵: آقای مادلن
۱۱۸	فصل ۱۶: سرمایه‌داری، ادلن در بانک لافیت
۱۲۴	فصل ۱۷: ژاور
۱۲۹	فصل ۱۸: بابا فوشلوان
۱۳۵	فصل ۱۹: فانتین در مونتروی سورمر
۱۴۴	فصل ۲۰: نتایج موفقیت
۱۵۱	فصل ۲۱: باماتا‌بوا
۱۵۶	فصل ۲۲: گفت‌وگوی بین شهردار و پلیس
۱۶۲	فصل ۲۳: آغاز آرامش
۱۶۹	فصل ۲۴: ژان چگونه شان می‌شود؟
۱۷۹	فصل ۲۵: آقای مادلن به آراس می‌رود

- فصل ۲۶: خواهر سمپلیس ۱۹۹
- فصل ۲۷: رسیدن به آراس ۲۰۸
- فصل ۲۸: ورود محترمانه ۲۱۹
- فصل ۲۹: روش انکار ۲۳۲
- فصل ۳۰: آقای مادلن موهای خود را در آینه می‌نگرد ۲۴۶
- فصل ۳۱: شاهزاده‌ها خرسند ۲۵۹
- فصل ۳۲: آرامگاهی مناسب ۲۷۰
- فصل ۳۳: کمبود آب در ون فرمی ۲۷۹
- فصل ۳۴: آب برای آب‌ان ۲۸۶
- فصل ۳۵: ورود یک عروسک ریا در صحنه ۲۹۰
- فصل ۳۶: کودک تنها ۲۹۳
- فصل ۳۷: نقشه‌های تناردیه ۳۲۸
- فصل ۳۸: آشیانه‌ای برای جغد و چکاوت ۳۴۱
- فصل ۳۹: دو انسان بدبخت در کنار هم خوشبخت می‌شوند ۳۴۲
- فصل ۴۰: نکاتی درباره مستأجر اصلی ۳۴۷
- فصل ۴۱: سکه پنج فرانکی بر روی زمین

۳۵۲	می افتد و صدای آن بلند می شود
۳۶۱	فصل ۴۲: آغاز یک معما
۳۶۵	فصل ۴۳: معما بزرگ تر می شود
۳۷۰	فصل ۴۴: بابا فوشلوان و ژان والژان
۳۷۲	فصل ۴۵: صومعه
۳۸۰	فصل ۴۶: مادر اینوسان
۳۸۷	فصل ۴۷: تاج شدن ژان والژان از صومعه
۳۹۳	فصل ۴۸: در کن
۳۹۷	فصل ۴۹: در تارت
۴۰۰	فصل ۵۰: برگه دور
۴۰۶	فصل ۵۱: بابا فوشلوان موفق می شود
۴۱۰	فصل ۵۲: ماریوس
۴۲۶	فصل ۵۳: تابش نور در کلبه
۴۳۴	فصل ۵۴: استفاده از سکه پنج فرانسی
۴۴	فصل ۵۵: مأمور پلیس دو تپانچه به یک وکیل می دهد
۴۴۶	فصل ۵۶: ماریوس به اطاقش باز می گردد
۴۵۰	فصل ۵۷: ژوندرت

۴۵۵	فصل ۵۸: دام و نیرنگ
۴۷۲	فصل ۵۹: توقیف تبهکاران
۴۷۶	فصل ۶۰: مزرعه چکاوک
۴۸۳	فصل ۶۱: خانه چکاوک
۴۹۳	فصل ۶۲: ترس‌های کوزت
۵۰۵	فصل ۶۳: ماریوس وارد باغ می‌شود
	فصل ۶۴: ماریوس و جوان با همدیگر دیدار می‌کنند
۵۱۱	
۵۲۱	فصل ۶۵: ژان والزان
۵۲۴	فصل ۶۶: ماریوس
	فصل ۶۷: ژان والزان و کوزت به خانه جدید می‌روند
۵۲۷	
۵۳۰	فصل ۶۸: کوزت ۴ ژوئن
۵۳۶	فصل ۶۹: ماریوس محزون و ژاوار کم‌حرف
۵۴۱	فصل ۷۰: ماریوس در حقیقت زندانی شده بود
۵۶۷	فصل ۷۱: گرفتاری پس از نجات
۵۷۷	فصل ۷۲: پدر بزرگ
۵۸۱	فصل ۷۳: ژاوار

- فصل ۷۴: ماریوس در خانه پدر بزرگ ۵۸۵
- فصل ۷۵: کوزت و ماریوس ۵۹۰
- فصل ۷۶: کوزت و آقای فوشلوان هر روز به دیدن ماریوس می‌روند ۵۹۶
- فصل ۷۷: ماریوس ۵۹۸
- فصل ۷۸: مراسم عروسی ۶۰۲
- فصل ۷۹: والژان به کجا رفت؟ ۶۰۴
- فصل ۸۰: ملاقات ژان والژان و ماریوس ۶۰۹
- فصل ۸۱: ماریوس تکرار می‌رود ۶۲۰
- فصل ۸۲: اطاق طبقه بالا ۶۲۳
- فصل ۸۳: کوزت و ماریوس به جمع پلومه می‌روند ۶۲۶
- فصل ۸۴: دوری کوزت و ژان والژان ۶۳۲
- فصل ۸۵: ژان والژان خانه نشین می‌شود ۶۳۶
- فصل ۸۶: ملاقات یک مرد غریبه با ماریوس ۶۴۰
- فصل ۸۷: کوزت و ژان والژان همدیگر را ملاقات می‌کنند ۶۶۱

بشگفتار

«ویکتور هوگو» (۱۸۰۲ - ۱۸۸۵) شاعر، نویسنده و نمایشنامه‌نویس فرانسوی می‌باشد. او به عنوان یکی از بهترین نویسندگان فرانسوی شهرت جهانی دارد. از زیباترین آثار او بینوایان، گورپشت نتردام و مردی که می‌خندد است. معروف‌ترین کارهای هوگو در خارج از فرانسه، بینوایان و مردی که می‌خندد است. در فرانسه او را بیشتر برای مجموعه اشعارش می‌شناسند. بینوایان برای اولین بار در سال ۱۸۶۲ به چاپ رسید و یکی از بزرگ‌ترین رمان‌های قرن ۱۹ محسوب می‌گردد.

قهرمان اصلی رمان، ژان والژان یک محکوم سابقه‌دار است که پس از ۱۹ سال محکومیت با اعمال شاقه از زندان آزاد شده

است. او به خاطر دزدیدن یک قرص نان برای سیر کردن شکم فرزندان خواهرش به زندان می افتد و به دلیل تلاش های پی در پی برای فرار از زندان به دوران محکومیتش اضافه می گردد. ژان والژان تجربه های گوناگونی را در جامعه خارج از زندان کسب می کند که می تواند پیام های زیادی را به خواننده انتقال دهد.

سین این گناه از شرارت به نیکی، از گناه به پشیمانی، از فساد به پاکی، از دروغ و دزدی به راستی و صداقت، از دوزخ به بهشت، از وحشیگری به وظیفه گرایی و احساس مسئولیت و از پوچی به ایمان به خداوند می اشد.